



غرب و اخوان المسلمین معرفی اخوان المسلمین به عنوان جمعیتی بنیادگرا از سوی غربی ها

نویسنده: فرهی، عبدالله

اطلاع رسانی و کتابداری :: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا :: مهر 1392 - شماره 185

از 16 تا 20

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/981915>

دانلود شده توسط : عبدالله فرهی

تاریخ دانلود : 1393/06/19 11:33:02

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

غرب و اخوان المسلمین

معرفی اخوان المسلمین به عنوان جمعیتی بنیادگرا از سوی غربی ها

عبدالله فرهی
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران

بنیادگرایی اسلامی

اصطلاح «بنیادگرایی» (Fundamentalism) نخستین بار در دهه‌های نخست قرن ۲۰، در ایالات متحده ساخته شد و به گروهی از پروتستان‌ها اطلاق می‌شد که بین سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲ مجموعه جزوه‌هایی با نام «فوندامنتال: گواه حقیقت» (Fundamental: A Testimony of the Truth) را منتشر می‌کرد (مقدمه‌ای بر بنیادگرایی در اسلام، ۲۱: ۲۰؛ بهروزلک، ۱۳۸۴: ۱۸). واژه مترادف این واژه را در عربی «الأصولیة» گویند. در مورد بنیادگرایی مسیحی گفته می‌شود: برچسب غیردقیقی است برای انواع عقایدی که بر بازگشت به تفسیر دقیق و عینی متون انجیلی تأکید می‌کند. بنیادگرایی مسیحی واکنشی بر ضد الهیات لیبرالی و علیه گرایش به دنیوی شدن در درون کلیسا - حضور افرادی در کلیسا که در واقع توجه چندان جدی به مذهب ندارند - است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۲۲). ویژگی اصلی این جنبش‌ها، انعطاف‌ناپذیری، اصول‌گرایی و مخالفت ستیزه‌جویانه با تاخت‌وتاز مدرنیسم، لیبرالیسم و انتقاد از باب متون مقدس نسبت به کلیساهای پروتستان و فرهنگ به‌ظاهر مبتنی بر کتاب مقدس آمریکاییان به شکل وسیع بود. این جنبش، خواهان دفاع از شکل به‌خصوصی از رفتار مذهبی موروثی بود که بر ایمان خشک و مطلق و درک بنیادگرایانه از ایمان پروتستانی مبتنی بود. به‌رغم آنان بنیادگرایان اسلامی نیز دارای همین باور هستند و همین امر، توجیه‌کننده کاربرد یکسان این واژه درباره این جنبش‌ها است (مقدمه‌ای بر بنیادگرایی در اسلام، ۲۱: ۲۰). در غرب کاربرد این واژه برای جنبش‌های اسلامی کاملاً معمول شده است و حتی نخستین کاربرد آن در جهان اسلام، تمام اسلام‌گرایان را در بر گرفت و کل جریان اسلام‌گرایی در برابر جریان غرب‌گرایی، بنیادگرا خوانده شد. برای مثال، در کار مطالعاتی وسیع هر ایر دکم‌جیان کل جریان اسلام‌گرایی معاصر، بنیادگرا دانسته شده است (دکم‌جیان، ۱۳۷۷). در نتیجه این نگاه همه جنبش‌های اسلامی، جریان‌های بنیادگرا قلمداد شده‌اند. بسیاری از متفکران غربی معتقدند که احیای بنیادگرایی اسلامی در قرن بیستم با تأسیس جنبش اخوان المسلمین آغاز شد (هی وود، ۱۳۷۹: ۵۱۸؛ فلوری، ۱۳۸۱: ۳۰۲). در تعریف



حسن البنا

بنیادگرایی اسلامی نیز اندرومی وود چنین می گوید: بنیادگرایی در اسلام به معنای اعتقاد به حقیقت لفظی قرآن [نصر گرایی] نیست، زیرا همه مسلمانان این حقیقت را پذیرفته اند، بلکه به معنای ایمانی قوی و خدشه ناپذیر به عقاید اسلامی به عنوان اصول بسیار مهم حیات اجتماعی و سیاسی و نیز اخلاق فردی است (هی وود، ۱۳۷۹: ۵۱۷).

در غرب، با معرفی بنیادگرایی به عنوان پدیده ای کاملاً ارتجاعی و تندرو، آن را به عنوان عاملی بر سر راه جنبش های پیشرو ترسیم نموده اند. در عصر پس از جنگ جهانی دوم، بنیادگرایی اسلامی به پدیده ای کاملاً ارتجاعی و ضد انقلابی تبدیل شده بود و غالباً از سوی ایالات متحده، برای درهم کوبیدن و تضعیف چپ ها و جنبش های پیشرو در کشورهای اسلامی استفاده می شد. عمده ترین حرکت های جدید بنیادگرایان، بر پایه استخوان بندی اخوان المسلمین در مصر و دیگر کشورهای خاورمیانه و جماعت اسلامی پاکستان بنا شده بود. اخوان المسلمین و جماعت اسلامی در مقایسه با صوفیسم و دیگر جنبش های احیاگر اسلامی میانه رو در عصر جدید، رویکردی تندتر داشتند. این امر منجر به رشد یک قرائت فنانیک تر از بنیادگرایی اسلامی در دهه های بعدی شد. یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایالات متحده تأمین مالی، سازماندهی، تجهیز و راه اندازی بنیادگرایی اسلامی به عنوان سلاحی علیه خیزش های توده ای و انقلاب های اجتماعی بود. جماعت اسلامی و اخوان المسلمین، به جهت ویژگی نفوathیستی خشن و تعصب آمیزشان در این مسیر قرار گرفتند. امپریالیست ها پس از تحمل شکست در جنگ سوئز به این سیاست اولویت دادند. پول های زیادی از طریق سرویس های اطلاعاتی و پنتاگون برای آموزش و تجهیز این افراطیون مذهبی اختصاص یافت (بنیادگرایی و خدعه امپریالیسم: ۲۳).

به وضوح می توان دید که بنیادگراها در غرب به عنوان گروهی خشن، تندرو، افراطی، اهل جنگ و جهاد و ترور و به شدت پایبند به سنت ها و آداب و مناسک دینی و به طور کلی، عقل گریز معرفی شده اند و آنها را گروه هایی در برابر جوامع و توده ها دانسته اند که از جانب سیاستمداران حمایت می شوند. با فرض صحت این سخنان درباره بنیادگراها - که البته جای تأمل بسیار دارد - باید گفت که در مورد جنبش اخوان المسلمین که به عنوان بزرگ ترین جنبش توده ای اسلامی در عصر حاضر شناخته شده است، چنین اتهامی کاملاً نابخاست. جنبشی

که حسن البنا به راه انداخت به هیچ وجه دارای چنین ویژگی هایی نبود، هر چند که با ظهور سید قطب و پس از آن چند شاخه شدن اخوان المسلمین، گروه هایی تندرو از دل آن ظهور یافتند، ولی به هیچ وجه دچار تندروی های خشونت آمیز نشد و زدن برچسب هایی مانند نفوathیستی بر این جنبش کاملاً اشتباه است. با وجود این، پذیرش اخوان المسلمین به عنوان گروهی به شدت بنیادگرا کاملاً جا افتاده است. در کتاب اسلام و مدرنیته اثر جان کوپر واکنش مؤمنان مسلمان در برابر فرآیند غربی شدن به سه رویکرد تقسیم شده است:

الف) تجدیدنظرطلبی: وهابیت، جنبش مهدی سودانی.

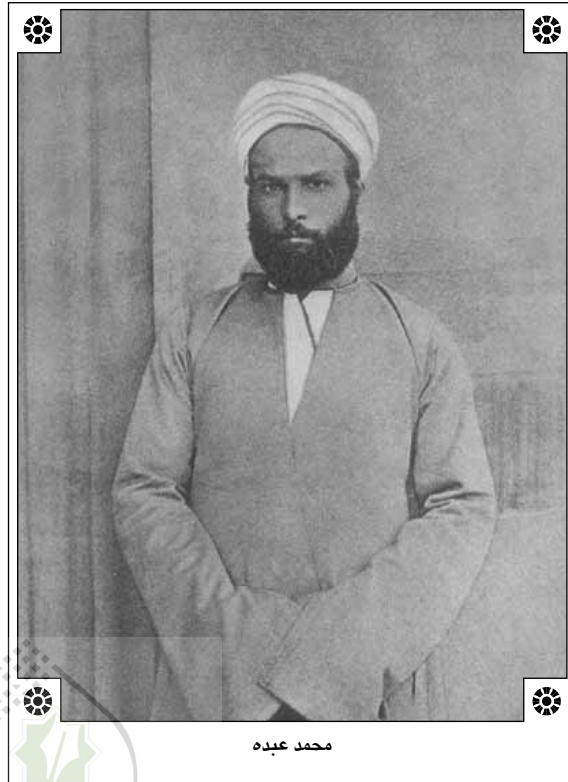
ب) اصلاح طلبی (سلفیه): سید جمال و محمد عبده.

ج) بنیادگرایی: اخوان المسلمین. در اینجا، اخوان به عنوان گروهی در مقابل با غرب با تمایلاتی به شدت سیاسی و نظامی ترسیم شده است (کوپر، ۱۳۸۰: ۱۹ و ۲۰). شاید صهیونیست ها در ایجاد این تصویر

هر چند که با ظهور سید قطب و پس از آن چند شاخه شدن اخوان المسلمین، گروه هایی تندرو از دل آن ظهور یافتند، ولی به هیچ وجه دچار تندروی های خشونت آمیز نشد و زدن برچسب هایی مانند نفوathیستی بر این جنبش کاملاً اشتباه است

اخوان المسلمین

شخص، در تقویت گرایش اخوان المسلمین موثر بود. هی وورث دان در آمریکا سعی داشت سید قطب را که دانشجو بود به سمت خود جذب و خطر اخوان را به او گوشزد کند. حتی حاضر شد کتاب عدالت اجتماعی در اسلام سید قطب را در قبال هزار دلار به زبان انگلیسی ترجمه کند. او برای سید قطب تعریف می کرد که چه هزینه‌هایی برای خاموش کردن این جنبش صرف کرده‌اند؛ «اگر این جنبش پیروز شود و زمام حکومتی مصر را به عهده بگیرد، جای پای ما نخواهد بود.» سید قطب با شنیدن سخنان وی و خواندن کتاب او چنین می گوید: «متوجه اهمیت این گروه شدم و فهمیدم تا چه اندازه صهیونیسم و استعمار غرب، آن را برای خود خطرناک به حساب می آورند.» یکی دیگر از علل گرایش سید قطب، ترور حسن البنا و بازتاب آن در روزنامه‌های انگلیسی و آمریکایی و ابراز شادمانی و رضایت آنان از کشته شدن او بود. آنها، او را رهبر انجمنی معرفی کرده بودند که تمدن و فرهنگ غرب را مورد تهدید قرار داده بود. سید قطب با ترور حسن البنا، به همراهی و همکاری موجود میان انگلیس و آمریکا در مخالفت با اسلام‌گرایان اخوانی پی برد (ابراهیم محمد، ۱۳۸۴: ۱۱۸ - ۱۲۳). تجربیات قطب در ایالات متحده (نژادپرستی، مادی‌گرایی، ابتذال، ممنوعیت طلاق و اختلاط‌های جنسی) باعث شد تا در بازگشت به مصر، عزمش برای مخالفت با ارزش‌های غربی و حرکت به سوی رادیکالیسم جزم شود (اسکافی، ۱۳۸۵: ۶).



محمد عبده

نکته جالبی که در رشد بزرگ‌ترین متفکر و ایدئولوژیست اخوان وجود دارد این است که او به سبب واکنش نسبت به غربی‌ها جذب ایدئولوژی اخوان شد و همین امر موجب دل‌بستگی او به اخوان شده بود. در واقع، گویا او از همان آغاز، اخوان المسلمین بنیادگرا را دوست می داشت و به مقاومت آن در برابر غرب به‌عنوان مظهر دنیاپرستی و سکولاریسم عشق می ورزید. سید قطب، دو سال در آمریکا ماند و پس از بازگشت به مصر به اخوان المسلمین پیوست و برای مدتی سردبیر روزنامه الإخوان المسلمون شد. وی در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۵ م. آثار اسلامی خود را نوشت و ایدئولوژی اسلامی خود را تبیین نمود. او در واپسین سال‌های حیات خود کتاب نشانه‌های راه (معالم فی الطریق) را نوشت که در سال ۱۹۶۴ انتشار یافت. این کتاب به بزرگ‌ترین مانیفست فکری اخوان تبدیل شد و بسیاری از دانشجویان، متفکران و دیگر اقشار مسلمان را جذب اخوان المسلمین

نقش داشته باشند، چرا که اخوانی‌ها پس از شرکت در جنگ فلسطین با اسرائیل، به‌عنوان گروهی بیکار جو و تروریست معرفی شدند. از جمله پژوهشگران اروپایی که تأثیر فراوانی در معرفی اخوان المسلمین به‌عنوان نیرویی ضد غربی، بنیادگرا و جنگ‌طلب داشته است هی وورث دان است. او یک انگلیسی بود که در دانشگاه قاهره تحصیل کرد. در آنجا اسلام آورد و نام خود را به جمال‌الدین دان تغییر داد و با دختری مصری به نام فاطمه ازدواج کرد. او از طریق نفوذ در میان مسلمانان به جمع‌آوری اطلاعات برای سفارت بریتانیا پرداخت. سپس به آمریکا رفت و در آنجا به تدریس در دانشگاه مشغول شد. در سال ۱۹۵۰ م. کتابی با نام جریان‌های سیاسی و دینی در مصر معاصر^۲ تألیف کرد و در آن به خطر جنبش اخوان المسلمین برای دنیای غرب پرداخت و آنان را شدیداً از اخوان بر حذر داشت و به بیکار و مقاومت در برابر آن دعوت نمود. این

سید قطب که بسیار صریح‌اللهجه بود بر استعمار فرانسه، انگلیس و آمریکا تازید و به بیان ظلم‌های آنها بر مسلمانان و تلاششان برای جلوگیری از اتحاد جهان اسلام پرداخت. او به مسلمانان نشان داد که آنها سعی در معرفی اسلام غربی دارند و می خواهند برای تضعیف کمونیست، اسلام را فقط در برابر کمونیست‌های بی‌دین قرار دهند

اخوان المسلمین

در غرب، بدون توجه به گوناگونی جنبش‌های اسلامی، از همه آنها با اصطلاح «بنیادگرایی اسلامی» یاد می‌شود. این اصطلاح هم غالباً در معنی حقارت‌باری به کار می‌رود. نمونه‌هایی از تندروی گروه‌های رادیکال در سراسر دنیا را به طور ضمنی وسیله قرار می‌دهند تا به همه مسلمین انگ افراطی بزنند

اخوان المسلمین

در معنی حقارت‌باری به کار می‌رود. غربیان نمونه‌هایی از تندروی گروه‌های رادیکال در سراسر دنیا را به طور ضمنی وسیله قرار می‌دهند تا به همه مسلمین انگ افراطی بزنند (مارسدن، ۱۳۷۹: ۱۰۴). در غرب به خطا، این تفکر نیز وجود دارد که گروه‌های رادیکال و تندروی امروز جهان اسلام هم در واقع ریشه در همان جنبش‌های اولیه و به‌ویژه اخوان المسلمین دارند و در نتیجه، اخوان المسلمین جنبشی تندرو و بنیادگراست. یکی از بارزترین نمونه‌های جنبش‌های بنیادگرا در عصر حاضر که از آنها به‌عنوان نماد جنبش‌های اسلامی یاد می‌شود، «طالبان» و «القاعده» هستند که شباهت‌های بسیاری با دیگر جنبش‌ها و بیش از همه با اخوان المسلمین دارند (مارسدن، ۱۳۷۹: ۱۰۵ - ۱۰۹).

جهاد مقدس

حسن البنا از دوران تحصیل خود در مدرسه معلمین (تربیت معلم) یاد می‌کند و از کتاب پرنس باهمت نام می‌برد که مهم‌ترین و بیشترین تأثیر را بر وی داشته است. وی می‌گوید: «ما در آن موقع کتاب‌هایی می‌خواندیم که روحیه شجاعت و دفاع از میهن و تمسک به دین و جهاد فی سبیل الله را به ما می‌آموخت، در حالی که جوانان امروز داستان‌هایی می‌خوانند که بیهودگی و ضعف و سستی را القاء می‌کنند (البنا، ۱۳۷۴: ۴۱).

اخوان آن چنان توجهی به جهاد از خود نشان داد که اعضای بسیار فعال را «مجاهد» خواند که موظف به عضویت در «کمیته جهاد» بودند و از جمله وظایف آنها، همیشه آماده بودن برای جهاد و آمادگی برای شرکت در اردوهای تربیتی و نظامی بود (شلبی، [بی‌تا]: ۲۹ - ۳۱). البنا با استناد به آیات قرآن معتقد بود که مردم مسلمان باید امتی مجاهد و دارای صفوف محکم و بهم‌فشرده و گردان‌های نیرومند و سپاهیانی قوی باشند که منتظر فرمان رهبر خویش هستند. او با بیان آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره درباره سپاه طالوت می‌نویسد که انسان‌های مؤمن مجاهد و ثابت‌قدم کم هستند، و گرنه داود شرق قادر خواهد بود جالوت غرب را به درون مخفیگاه خود بفرستد (البنا، ۱۴۲۶/۳: ۱۵۰-۱۵۲).

حسن البنا در سال ۱۹۳۸م. تا به آنجا پیش رفت که اعلام داشت: «با هر زمامدار و یا گروهی که به یاری اسلام برنخیزد و راه تحقق اسلامی را هموار نکند، می‌جنگد.» البته اخوانی‌ها اظهار می‌کردند که خواهان کسب قدرت نیستند ولی اگر کسی را لایق این مقام بدانند،

نمود. او در این کتاب به تبیین «دکترین جاهلیت» پرداخت و از تمامی حکومت‌های موجود در جهان در عصر جدید با عنوان حتی بدتر از جاهلیت پیش از ظهور اسلام نام برد. (ابراهیم محمد، ۱۳۸۴: ۱۲۳ و ۱۲۴؛ Shepard, 2003: 521 - 539). البته اندیشه معرفتی عصر جدید با عنوان عصر «جاهلیت» مختص سید قطب نیست و گویا اندیشه‌ای بوده است که در تمام جهان اسلام دائم در حال رشد بوده است. اسلام‌گرایان پیامبر اسلام را آخرین پیامبر می‌دانند و با توجه به اینکه خداوند پیامبر جدیدی نمی‌فرستد در برابر مادگیری و تهاجم فرهنگی غرب و وابستگی و فساد موجود در میان حکومت‌ها، وظیفه خود می‌دانند که قرآن را دوباره در برابر «جاهلیت جدید» در جامعه احیا نمایند. از این دست سخنان را در فاصله میان مصر و هند می‌توان یافت. از جمله متفکری هندی به نام ابوالحسن الندوی که به اخوانی‌ها پیوست و در یک سخنرانی در سال ۱۹۵۱م. به ارائه چنین نگرشی پرداخت (ندوی، ۱۳۷۹: ۲۳ - ۲۶). اما به هر حال این سید قطب بود که آن را بسط و گسترش داد و سرانجام چنین نتیجه گرفت که «مسلمانانی که در این گونه جوامع زندگی می‌کنند شرعاً موظفند با دولت حاکم مبارزه کنند.» با مطرح شدن سید قطب، اندیشه‌های ضداستعماری جمعیت اخوان المسلمین به شدت تقویت شد. سید قطب که زبانی تند داشت و بسیار صریح‌اللهجه بود بر استعمار فرانسه، انگلیس و آمریکا تازید و به بیان ظلم‌های آنها بر مسلمانان و تلاششان برای جلوگیری از اتحاد جهان اسلام پرداخت. او به مسلمانان نشان داد که آنها سعی در معرفی اسلام غربی دارند و می‌خواهند برای تضعیف کمونیست، اسلام را فقط در برابر کمونیست‌های بی‌دین قرار دهند. فرانسه، تأثیر زیادی بر مصریان داشت و بسیاری از سران فکری مصر تحصیل‌کرده فرانسه هستند. او معرفی فرانسه را به عنوان مهد آزادی دروغی بیش ندانست و به بیان فعالیت‌های استعماری آن در ملل اسلامی پرداخت و از این راه قصد داشت ریشه دموکراسی و آزادی مدرن را از بیخ و بن بر کند و با مظاهر فرهنگ جدید غربی به مبارزه برخیزد. او با قلم شیوای خود، با معرفی دشمن مشترک به تمام مسلمانان، یعنی استعمار غرب (چه آمریکا و چه انگلیس، فرانسه، شوروی و غیره) در جهت ایجاد جبهه مشترک اسلام‌گرایان کوشید.

در غرب، بدون توجه به گوناگونی جنبش‌های اسلامی، از همه آنها با اصطلاح «بنیادگرایی اسلامی» یاد می‌شود. این اصطلاح هم غالباً

در حکم سربازان و یاران او خواهند بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۵: ۲۷۳).
 اخوان المسلمین، در زمان جنگ فلسطین داوطلبانی به جبهه فرستاد که با تهور و جسارت جنگیدند و تبدیل به قهرمانان ضد صهیونیست شدند، در حالی که کمونیست‌ها هرگز به فکر شرکت در جنگ با اسرائیل نیفتادند. از این هنگام به بعد، اخوان المسلمین از طرف گروه‌های وسیع خلق مورد حمایت قرار گرفت (حسین، ۱۳۵۸: ۷۷). گفته می‌شود هیچ کدام از مناطقی که اخوان در آنها می‌جنگید به تصرف نیروهای اسرائیل در نیامد. حسن البناء برای جلب و جذب اخوانی‌ها به سمت جهاد به قرآن تمسک می‌جست و اظهار می‌کرد که آیه‌های مربوط به جهاد و دفاع ملی در قرآن ده برابر بیشتر از آیات نماز و روزه است (بنائی، ۱۳۷۹). با وجود رشادتهای اخوانی‌ها، مصر در جنگ سال ۱۹۴۸ م. با اسرائیل شکست خورد. مردم، دولت را مسئول این شکست می‌دانستند. با این شکست کم‌کم نشانه‌های ضعف در حکومت نمایان شد و مهم‌ترین گزینه، برای رسیدن به حکومت، اخوان المسلمین بود (لایپدوس، ۱۳۸۱: ۸۸۰). آنها حتی اگر به دنبال حکومت هم نبودند، اما بدون تردید در فکر ایجاد انقلابی عظیم و مبتنی بر اسلام در سطح مصر، جهان عرب و اسلام و بالاخره تمام جهان بودند. انقلابی که به تعبیر البناء انقلاب کبیر فرانسه را در دیروز و انقلاب روسیه را در امروز تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد (البناء، ۱۳۲۵/۵: ۳۵۴-۳۵۵).

البناء برای جهاد پنج هدف را بر می‌شمارد: ۱- پاسخ به تجاوز و دفاع از خود، خانواده، مال، وطن و دین. ۲- تأمین آزادی عقیدتی آن دسته از مؤمنانی که کفار می‌کوشند تا آنان را از دینشان برگردانند. ۳- حمایت از دعوت تا اینکه به همه انسان‌ها برسد تا موضعشان را در قبال دعوت مشخص و روشن کنند ۴- تنبیه عهدشکنان معاند یا «بغاة» (گروه سرکش) که بر امر الهی شوریده و از حکومت عدل و اصلاح سر باز زده‌اند. ۵- یاری رساندن به مؤمنان ستم‌دیده در هر جا. اسلام جز در موارد فوق جنگ را در هیچ حالتی تجویز نمی‌کند (مرادی، ۱۳۸۱: ۹۵).

اخوانی‌ها، آموزش نظامی را برای همه افراد ملت لازم می‌دانستند و معتقد بودند آموزش نظامی و فراگیری فنون رزمی و روش‌های دفاع فردی در مدارس و دانشگاه‌ها باید به صورت اجباری در بیاید و برای کسانی که نمی‌خواهند در سازماندهی ارتش رسمی قرار بگیرند، ارتش شبه‌نظامی و مردمی پایه‌گذاری و سازماندهی شود (قرضاوی، ۱۳۸۱: ۴۶۹).

منابع و مأخذ

ابراهیم محمد، فائز (۱۳۸۴). **سید قطب و بیداری اسلامی**، چاپ اول. تهران: نشر احسان.
 اسکافی، ابراهیم [مترجم] (۱۳۸۵). **سروری بر زندگی و آثار سید قطب: آغازگر اسلام سیاسی مدرن**، سال چهارم، شماره ۸۴۶.
 البناء، حسن (۱۳۷۴). **خاطرات زندگی حسن البناء**، ترجمه ایرج کرمانی، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

البناء، حسن (۱۴۲۶/۳). **سلسله من تراث الامام البناء، الكتاب الثالث: خواطر من وحی القرآن**، الطبعة الأولى، دارالدعوة.

البناء، حسن (۱۴۲۵/۵). **سلسله من تراث الامام البناء، الكتاب الخامس: عظمت و احادیث منبریه**، الطبعة الأولى للنشر، دار الدعوة.
 بنائی، حسن (۱۳۷۹). «حسن البناء مردی که از اسماعیلیه آمد»، نشریه کار و کارگر. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۴). **اسلام سیاسی، جهانی شدن و هویت سیاسی در ایران**، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
 خاتمیان، طاهره (۱۳۶۹). **سیر تحولات سیاسی - اجتماعی اخوان المسلمین**، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
 خامه‌یار، عباس (۱۳۷۱). **تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اخوان المسلمین**، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
 دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷). **جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.

الذیب، عبد العظیم (۱۴۲۶). **الاخوان المسلمون و العمل السری و العنف (قراءة علمیه منهجیه)**، المنصورة: دار الوفاء للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى.
 شلی، رءوف (بی‌تا). **الشیخ حسن البناء و مدرسته «الاخوان المسلمون»**، دار الانصار، دارالاتحاد العربی للطباعة، [بی‌جا].

فلوری، موریس و روبرت هانتال (۱۳۸۱). **رژیم‌های سیاسی اعراب - اسلام از دیدگاه غریبان**، ترجمه امان‌اله ترجمان، چاپ اول، تهران: انتشارات پرشکوه.
 قرضاوی، یوسف (۱۳۸۱). **اخوان المسلمین: هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد**، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، چاپ اول، تهران: نشر احسان.
 قطب، سید (بی‌تا). **اسلام و مسائل روز**، ترجمه محمد جعفر امامی شیرازی، قم: انتشارات نسل جوان.

قطب، سید (۱۳۷۷). **آینده در قلمرو اسلام**، ترجمه سید علی خامنه‌ای، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 کوپر، جان (۱۳۸۰). **اسلام و مدرنیته، پاسخ تنی چند از روشنفکران مسلمان**، ترجمه سودابه کریمی، چاپ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ششم، تهران: نشر نی.

لایپدوس، آیرا ماروین (۱۳۸۱). **تاریخ جوامع اسلامی**؛ ترجمه علی بختیاری‌زاده، چاپ اول، تهران: اطلاعات، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
 مارسدن، پیتر (۱۳۷۹). **طالبان**، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
 مرادی، حمید (۱۳۸۱). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی حسن البناء»، نشریه علوم سیاسی، تهران: سال پنجم، شماره نوزدهم.
 ندوی، ابوالحسن علی (۱۳۷۹). **سخنی با اخوان المسلمین**، ترجمه: زاهد ویسی، چاپ اول، تهران: نشر احسان.

هیوود، اندرو (۱۳۷۹). **درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی**، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۵). «**اخوان المسلمین**»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی حیان.
 «بنیادگرایی و خدعه امپریالیسم»، ۱۳۸۱، نشریه اندیشه جامعه، شماره ۲۱.
 «مقدمه‌ای بر بنیادگرایی در اسلام»، ۱۳۸۱، نشریه اندیشه جامعه، شماره ۲۱.

پی‌نوشت

۱- نشانی الکترونیکی: ir.ac.ut@farrahi
 2. *Religions and political trends in Modern Egypt.*